

## نگرش به نقش مهریه در حفظ ثبات خانواده: یافته‌های پیمایشی در شهر یزد

عباس عسکری‌ندوشن<sup>۱</sup>  
طیبه رسول‌زاده<sup>۲</sup>

با وجود تغییرات چشمگیر و گسترده در عقاید، ارزش‌ها و باورهای مرتبط با ازدواج و خانواده در ایران، پژوهش‌های محدودی به تحلیل تفاوت‌ها، روندها، دلایل و پیامدهای این تغییرات نگرشی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر، با استفاده از داده‌های حاصل از اجرای یک پیمایش در بین نمونه ۶۱۲ نفری در شهر یزد نگرش‌های زنان و مردان را درخصوص اهمیت نقش مهریه در حفظ ثبات خانواده مطالعه و تفاوت‌های اجتماعی مرتبط با این نگرش‌ها را تحلیل می‌کند.

به اختصار، یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود تفاوت‌های معنادار در نگرش‌های مردان و زنان و نگرش موافق‌تر زنان نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات و استحکام خانواده، دامنه این اختلاف‌نظرها بین دو جنس گسترده نیست. یافته‌ها همچنین حاکی از ارتباط معنادار و مستقیم طبقه اجتماعی، کاربرد رسانه‌ها، دینداری، مهریه مطلوب، وضع تأهل و محل تولد با نگرش نسبت به کارکرد مهریه در تثبیت ازدواج است. با این وجود، نگرش‌ها برحسب سطوح تحصیلی و گروه‌های سنی تفاوت معناداری ندارد. تحقیقات دیگری ضروری است تا با تمرکز بر تحولات رفتاری خانواده، تأثیر عملی و واقعی میزان مهریه را بر احتمال از هم گسیختگی پیوند ازدواج بررسی نمایند. **واژگان کلیدی:** مهریه، نگرش‌ها، ازدواج، خانواده، همسرگزینی، طلاق، شهر یزد.

---

۱. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد [aaskarin@yazduni.ac.ir](mailto:aaskarin@yazduni.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه یزد [trasoulzade@gmail.com](mailto:trasoulzade@gmail.com)

## مقدمه

مطالعه حاضر با تمرکز بر یکی از ابعاد و اضلاع تغییرات نگرشی مرتبط با ازدواج و خانواده، به بررسی نگرش‌های عمومی مردم نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات و استحکام خانواده پرداخته است. مهریه یکی از اجزاء مهم آداب و سنن ازدواج است که در اکثر جوامع اسلامی رواج دارد و در جامعه ایران ریشه‌های تاریخی آن را حتی می‌توان در دوران قبل از اسلام جستجو کرد. (باباخانی، ۱۳۷۷: ۱۱؛ غزنویان ۱۳۸۸: ۸۴). با وجود آنکه سابقه تاریخی مهریه به دوران پیش از اسلام برمی‌گردد، سنت امروزی مهریه در جامعه ایران، مبتنی بر شریعت اسلامی و برآمده از نظام خاص فقهی و حقوقی خانواده در اسلام است. هرچند در اسلام، برای مهریه مقدار خاص و مشخصی تعیین نشده است، اما روایات و احادیث اسلامی پیوسته بر مقدار متوسط و معتدلی از میزان مهریه - بگونه‌ای که مرد از عهده پرداخت آن برآید - تأکید کرده‌اند (نک: امامی‌نمینی ۱۳۸۶؛ وحدتی‌شیرینی ۱۳۸۷؛ جلالی ۱۳۸۹). علیرغم این تأکیدها در اسلام، متوسط مبلغ و میزان مهریه در جامعه ایران طی سالیان اخیر روبه افزایش بوده و داده‌های موجود گویای آن است که متوسط بهای مهریه (به نرخ روز) از اواسط دهه ۱۳۷۰ شمسی به بعد، با یک سیر صعودی و قابل ملاحظه تقریباً سه برابر رشد یافته است (عسکری‌ندوشن و دیگران، ۲۰۱۰). این افزایش در حال حاضر به مراتب سریع‌تر از رشد توان اقتصادی خانواده‌ها و فراتر از استطاعت واقعی بسیاری از مردان جوان واقع در سنین ازدواج برای بازپرداخت مهریه بوده است و گهگاه بعنوان مانعی بر سر راه ازدواج جوانان قلمداد شده است! (جلالی ۱۳۸۹؛ قلی‌زاده و غفاریان ۱۳۹۰).

روند رو به افزایش بهای مهریه بیانگر آن است که در عرف کنونی رایج در جامعه، مفهوم اسلامی مهریه متحول شده (امامی‌نمینی ۱۳۸۶: ۳۱) و ذهنیت‌ها، باورها و نگرش‌های تازه و نوظهوری نسبت به معنا، شکل و کارکردهای اجتماعی مهریه در سطح جامعه شکل گرفته است (عسکری‌ندوشن و دیگران، ۲۰۱۰). اگرچه مهریه حامل کارکردهای اجتماعی آشکار و پنهان متعددی است، اما با توجه به افزایش احتمال بی‌ثباتی ازدواج‌ها در سالیان اخیر (نک: احمدی‌موحد ۱۳۸۷؛ رحم‌دل ۱۳۷۹؛ امیرخسروی ۱۳۸۰) تصور می‌رود که یکی از عمده‌ترین کارکردهای مهریه این است که از نظر اجتماعی امروزه بسیاری از خانواده‌ها، مهریه بالاتر را بعنوان پشتوانه‌ای برای دستیابی به استقلال عمل بیشتر زن در زندگی زناشویی و تضمینی برای پیشگیری از طلاق و حفظ ثبات خانواده قلمداد می‌کنند (نک: تقی‌زاده و موسوی ۱۳۸۹؛ امام و رضوی ۱۳۸۸؛ شیرینی ۱۳۸۷؛ حبیبی، ۱۹۹۷؛ عسکری و ندوشن و دیگران، ۲۰۱۰).

از آنجایی که بخشی از ادبیات پژوهشی موجود در سطح دنیا بر نقش مهم و تأثیرگذار ارزش‌ها و نگرش‌ها در تحولات مرتبط با فرآیندهای ازدواج، تشکیل و انحلال خانواده تأکید کرده‌اند (عباسی شوازی

و دیگران، ۲۰۰۸؛ لستهاق<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵؛ تورنتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ لستهاق و سورکین<sup>۳</sup>، ۱۹۸۸؛ باربر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ ون دکا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ کله‌لند و ویلسون<sup>۶</sup>، ۱۹۸۷). این‌گونه به نظر می‌رسد که نگرش‌ها و برداشت‌های اجتماعی رایج در بین مردم نسبت به نقش و کارکردهای مهریه یکی از عوامل بالقوه مهم و تأثیرگذار بر تعیین میزان مهریه در جامعه امروزی ایران باشد و بازتاب روند رو به رشد بهای مهریه را بتوان در نگرش‌ها و برداشت‌های اجتماعی رایج در بین مردم ملاحظه و کنکاش نمود. از این‌رو، به باور ما، آگاهی از این نگرش‌های اجتماعی می‌تواند عنصری کلیدی در فهم روند تحولات مهریه در جامعه ایران امروز به شمار رود.

به رغم اینکه موضوع مهریه از جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوقی خانواده در ایران برخوردار بوده و کنکاش در ابعاد فقهی و حقوقی مهریه، بحث‌ها و گفت‌وگوهای دنباله‌داری را میان کارشناسان و صاحب‌نظران کشور دامن زده است (امامی‌نمینی ۱۳۸۶؛ وحدتی‌شیری ۱۳۸۷؛ امام و رضوی ۱۳۸۸؛ حسینی ۱۳۸۸؛ عظیم‌زاده اردبیلی ۱۳۷۵؛ پارسا ۱۳۸۱؛ تقی‌زاده و موسوی ۱۳۸۹؛ جلالی ۱۳۸۹) ولی تاکنون مطالعات اجتماعی نظام‌مند در زمینه ارزیابی روند تحولات صورت گرفته در بهای اقتصادی مهریه، تغییر نگرش‌های عمومی جامعه به نقش و کارکرد مهریه و بازشناسی علل و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی مرتبط با تحولات این بخش مهم از مبادلات ازدواج، محدود و انگشت‌شمار بوده‌اند (برای مثال نک: قلی‌زاده و غفاریان ۱۳۹۰؛ شرف‌الدین ۱۳۸۰؛ عسکری ندوشن و دیگران، ۲۰۱۰؛ حبیبی، ۱۹۹۷). این در حالی است که برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی و اجتماعی کارآمد در این عرصه نیازمند فهم علمی و دقیق از این تغییرات است.

این مقاله، با تمرکز بر یکی از مؤلفه‌های بومی تشکیل خانواده، یعنی مهریه‌های ازدواج و با استفاده از داده‌های گردآوری شده از یک پیمایش مقطعی در شهر یزد، به بررسی و تحلیل نگرش‌های رایج در جامعه نسبت به نقش و کارکرد مهریه در حفظ ثبات و تداوم زندگی زناشویی می‌پردازد. برای این منظور، تفاوت‌های موجود برحسب متغیرهای اقتصادی-اجتماعی مختلف نظیر سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی، دینداری و... مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سهم و اثر نسبی نیروهای شکل دهنده به نگرش‌ها و تصورات شهروندان شهر یزد نسبت به کارکرد مهریه در تحکیم بنیان خانواده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در ادامه مقاله حاضر، ابتدا انتظارات تئوریک ما در مورد مکانیزم نظری تأثیر عوامل تعیین‌کننده بر نگرش‌های

1. Lesthaeghe
2. Thornton
3. Lesthaeghe and Surkyne
4. Barber
5. van de Kaa
6. Cleland and Wilson

اجتماعی به نقش مهریه در تثبیت خانواده توسعه می‌یابد و فرضیات تحقیق ارائه می‌شوند. پس از آن روش و داده‌های تحقیق به اختصار معرفی و به دنبال آن یافته‌های تحقیق ارائه خواهد شد. در انتها، مقاله با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایان می‌یابد.

### چارچوب نظری

در نظام سنتی زندگی اجتماعی و روابط خانوادگی ایرانیان، مهریه دارای کارکردهای روانی، اقتصادی و اجتماعی آشکار و پنهان متعدد و مهمی بود. به طوری که از دیرباز مهریه به عنوان مکانیزمی برای تأمین امنیت روانی زن، بازداشتن مرد از ازدواج مجدد، ارتقای حیثیت و اعتبار اجتماعی زن، اهرم قدرت برای زن در خانواده، مهار حق یک‌جانبه طلاق توسط مرد، بیمه و پشتوانه اجتماعی مناسب برای تأمین نیازها و احتیاجات احتمالی زن و فرزندان او در آینده، جبران سهم‌الارث زنان و نظایر آن به شمار می‌رفت. هرچند در برخی موارد، مهریه بخشش هدیه‌ای از جانب مرد جهت ابراز محبت و علاقه به همسرش دانسته شده و صرفاً ارزش نمادین آن مورد تأکید قرار گرفته است، اما انتظارات اجتماعی رایج در مورد تحقق کارکردها و پیامدهای مورد نظر عرف جامعه، عمدتاً منعکس کننده اهمیت مهریه به عنوان وسیله تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و قانونی زن در جریان زندگی زناشویی بوده است.

از میان کارکردهای متعدد و متنوع مهریه، همواره نقش مهریه در تضمین حقوق زن در برابر حق یک‌جانبه طلاق توسط مردان و تحکیم بنیان خانواده نمودی پررنگ‌تر و بارزتر داشته است. در روابط سنتی و تاریخی خانواده در ایران، حق طلاق در اختیار شوهر بود و مرد در هر زمان می‌توانست به طور یک‌جانبه زن خود را طلاق دهد. علاوه بر این امکان ازدواج دوباره برای زنان دشوارتر و فرصت‌های شغلی یا امکان فعالیت‌های درآمدزای اقتصادی کمتر در اختیار آنان بود و به همین جهت، زنان برای گذران زندگی و تأمین معاش خود بطور کامل به مردان وابسته بودند. بدین ترتیب مهریه ابزار تضمین حقوق زن در برابر حق طلاق بود به طوری که اگر مرد می‌خواست از اهرم طلاق استفاده نماید، ملزم بود که مهریه همسرش را بپردازد (صفایی و امامی ۱۳۸۲: ۱۴۸؛ تقی‌زاده و موسوی ۱۳۸۹: ۶۷). از اینرو، وجود مهریه علاوه بر نقش بازدارنده آن در استفاده مردان از حق طلاق، می‌توانست بعنوان یک منبع تأمین اجتماعی و پشتوانه اقتصادی برای زنان در صورت وقوع طلاق به شمار رود.

هرچند انتظار تحقق اغلب آثار و کارکردهایی که در عرف کنونی جامعه برای مهریه مورد نظر است، مسأله نوظهوری نیست و از گذشته‌ها تا به امروز تداوم و استمرار داشته است، اما در سالیان اخیر تحت تأثیر تحولات پرشتاب اجتماعی، نگرش‌ها نسبت به پایداری نهاد خانواده و همچنین تعاریف اجتماعی از حقوق و منزلت زنان در جامعه بطور اساسی متحول شده و توأم با آن مبلغ و میزان مهریه افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در تعیین مهریه، تا پیش از این همواره عرف اجتماعی، قواعد و فرمول‌های

خاصی داشت که برپایه آن کم و کیف مهریه‌های ازدواج تعیین و مشخص می‌شد. از یکسو استواری خانواده در گذشته معلول تعهدات اخلاقی طرفین، قبح طلاق، شدت کنترل اجتماعی، انتظارات محدود زوجین و نظایر آن بود، که باعث می‌شد مهریه سنگین، کمتر بعنوان پشتوانه‌ای برای تثبیت کانون خانواده مورد استفاده قرار گیرد. از سوی دیگر، توده زنان در گذشته در حاشیه مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار داشتند و تعاریف اجتماعی از حقوق و منزلت زنان در جامعه محدود بود. از آنجا که وقوع طلاق بالطبع می‌توانست پیامدها و تبعات منفی و گسترده‌ای را برای زن و خانواده وی به دنبال داشته باشد، در بسیاری از مواقع، زنان حاضر بودند بدترین شرایط را برای حفظ خانواده تحمل نمایند. طی چند دهه اخیر، با افزایش مطالبات و انتظارات زنان جهت دستیابی به پایگاه بالاتر و تقاضای سهم بیشتر در مدیریت خانواده و جامعه (شادی‌طلب ۱۳۸۰)، نگرش‌های تازه‌ای در مورد حقوق و منزلت زنان در جامعه شکل گرفته است.

برآیند تغییرات اخیر که در نگرش‌ها و برداشت‌های اجتماعی نسبت به حقوق اجتماعی زنان و پایداری نهاد خانواده اتفاق افتاده است، به صورت یک عامل بالقوه مهم در روند رو به رشد بهای مهریه تأثیرگذار بوده است. به همین واسطه، اینگونه به نظر می‌رسد که مطالعه ایده‌ها و نگرش‌های اجتماعی رایج در جامعه نسبت به نقش و کارکردهایی که از مهریه مورد انتظار است، به فهم تفاوت‌ها و تغییرات در مقدار و بهای مهریه کمک نماید.

اگرچه مطالعه فرآیندهای مرتبط با ازدواج، همسرگزینی و تشکیل و انحلال خانواده یکی از موضوعات محوری علوم اجتماعی به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم به این سو بوده و تبیین‌های تئوریک مختلفی نیز در مورد مکانیزم‌ها و علل این تغییرات ارائه گردیده است، اما، مهریه از جمله مؤلفه‌های مهم ازدواج و تشکیل خانواده در جوامع اسلامی محسوب می‌شود که تاکنون کمتر تئوریزه شده و پشتوانه‌های نظری و تجربی کافی در مورد آن وجود ندارد. به منظور توسعه مدل نظری و ارائه چارچوبی برای طرح فرضیات در تحقیق حاضر، تأکید ما در اینجا بر تغییرات نگرشی و عوامل تعیین‌کننده‌ای است که اشاعه و گسترش تغییرات نگرشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنگونه که برخی از تبیین‌های نظری موجود اشاره کرده‌اند، تغییر ایده‌ها و گرایش‌های فرهنگی رایج در جامعه یکی از مؤلفه‌های مهم تغییرات خانواده به شمار می‌رود (لستهاق، ۱۹۹۵؛ تورنتون، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵؛ لستهاق و سورکین، ۱۹۸۸؛ باربر، ۲۰۰۱ الف؛ ون دکا، ۲۰۰۱؛ کله‌لند و ویلسون، ۱۹۸۷؛ کالدول، ۱۹۸۲). در اینجا، تمرکز ما بطور خاص بر عوامل تعیین‌کننده‌ای است که می‌توانند نگرش به کارکرد مهریه در تداوم بخشیدن به پیوند ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند و دلایل نظری و یا پشتوانه‌های تجربی در راستای حمایت از آن است.

یکی از زمینه‌هایی که انتظار می‌رود بر نگرش به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده تأثیرگذار باشد تفاوت‌های جنسیتی است. تفاوت‌های جنسیتی در نگرش نسبت به موضوعات و مسائل مرتبط با ازدواج

و تشکیل خانواده از جمله زمینه‌هایی است که در تحقیقات دیگری نیز گزارش شده است (مقایسه کنید با: باربر، ۲۰۰۱؛ پارادو و زنتو، ۲۰۰۲؛ مالهورترا، ۱۹۹۷؛ حجت و دیگران، ۲۰۰۰). در کشورهایی توسعه یافته، تفاوت نگرش زنان و مردان در قالب مفهوم «فاصله جنسیتی» تحلیل شده است. اصطلاح فاصله جنسیتی در حوزه مطالعات فرهنگی می‌تواند به تفاوت‌های گسترده بین زنان و مردان بازگردد و اموری نظیر باورهای فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، سطح مشارکت فرهنگی و اجتماعی، دانش، اطلاعات یا آگاهی فرهنگی و اجتماعی یا علاقمندی به نوع خاصی از فعالیت‌ها در مقایسه با فعالیت‌های دیگر نسبت داده شود. طبق عقیده ایگلی و دیکنمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) «فاصله‌های جنسیتی در نگرش‌ها و رفتارها از طریق اختلاف علایق زنان و مردان شکل می‌گیرد که بخشی از این اختلاف علایق از تقسیم جنسیتی بازار کار نشأت می‌گیرد.» (قاسمی و ذاکری ۱۳۸۹: ۸) بر طبق دیدگاه موقعیتی، علت اصلی تغییر نگرش‌های زنان، تغییر در نقش‌های اجتماعی، وضعیت اشتغال و میزان تحصیلات آن‌هاست. این دیدگاه به این نکته تأکید دارد که «نقش‌های جنسی موجود در یک فرهنگ و تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی عینی در سبک زندگی زنان و مردان به شکل‌گیری و استمرار تفاوت‌ها کمک می‌کند» (نوریس، ۱۹۹۸: ۱۲). با نزدیک شدن موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان به مردان و پذیرش نقش‌های گوناگون در جامعه بینش‌ها و نگرش‌های زنان نیز تغییر می‌کند (قاسمی و ذاکری، ۱۳۸۹: ۱۳).

حبیبی (۱۹۹۷) توافق بین خانواده عروس و داماد در فرآیند تعیین مهر، را در یک چارچوب اقتصادی و بر مبنای عرضه مهریه، تقاضای مهریه و ارزیابی احتمال ذهنی طلاق از جانب خانواده طرفین تحلیل می‌کند. با توجه به اینکه زنان متقاضی مهر و مردان عرضه کننده مهریه محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، صدمات و عوارض ناشی از گسیختگی خانواده در جامعه ایران برای زن و خانواده وی به مراتب بیش از مردان است، انتظار می‌رود که زنان نگرش موافق‌تری به نقش مهریه بالا در حفظ ثبات خانواده داشته باشند.

آموزش و تحصیلات از مهمترین کانال‌های تغییرات نگرشی محسوب می‌گردد به طوری که می‌تواند با قرار دادن افراد در جریان اندیشه‌ها و اطلاعات جدید منجر به تغییرات نگرشی و ارزشی گردد (کالدول، ۱۹۸۲؛ تورنتون، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵). تحصیلات زن را می‌توان از عوامل تعیین کننده‌ی تمایل به ازدواج دانست. امتناع زنان تحصیل کرده از ازدواج به این معناست که آن‌ها نقش سنتی زن را در ازدواج نمی‌پذیرند و خواهان تغییر در شرایط مبادله با همسر خود هستند (ساروخانی ۱۳۷۸). همچنین برخی بر این اعتقادند

1. Parrado and Zeneto
2. Malhotra
3. Diekman
4. Norris

که زنان تحصیل کرده دارای نگرش‌های عقلانی و قدرت تصمیم‌گیری بیشتری هستند (سفیری، ۱۳۸۵: ۱۰۷). مارتین و جورز<sup>۱</sup> سه جنبه تأثیر تحصیلات را به صورت، تحصیلات به‌عنوان منبع آگاهی و شناخت، تحصیلات به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و تحصیلات به‌عنوان تغییردهنده‌ی نگرش‌ها، را از هم تفکیک کرده‌اند (مارتین و جورز، ۱۹۹۵: ۵۳). بر روی هم، این سه جنبه می‌تواند باعث تحولات فردی و دگرگونی در ایده‌آل‌ها و نگرش‌های شخصی می‌گردد و با گسترش افق‌های دید، افراد را به ارزیابی مجدد از ارزش‌های جامعه و ادار سازد. از همین روی، انتظار می‌رود که تحصیلات بر روی نگرش افراد به مهریه تأثیرگذار باشد و در بین گروه‌های تحصیلی، نگرش‌های متفاوتی نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات و تداوم پیوند ازدواج وجود داشته باشد. یونسکو در کنفرانس سال ۱۹۹۵ با عنوان "تحصیلات زنان راهی به سوی توانایی" دستاوردهای زنان را شامل این موارد می‌داند: گسترش خودباوری و اعتماد به نفس، کسب دانش بیشتر در مورد رفتار باروری، توانایی تصمیم‌گیری و چانه‌زنی، افزایش مهارت برای کسب درآمد، آگاهی از حقوق مدنی و مشارکت موثر و ... (سفیری ۱۳۸۵: ۱۰۴).

یکی از زمینه‌های دیگری که بطور بالقوه می‌تواند بر نگرش افراد نسبت به کارکرد مهریه در تضمین ثبات خانواده تأثیر بگذارد، تعلق طبقاتی و موقعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده است. تأثیر تعلق طبقاتی بر طرز تفکر و جهان بینی افراد به قدری پذیرفته شده است که بسیاری از نظریه پردازان قشریندگی اجتماعی (ساندرز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰؛ کورن هاوزر<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸) محور اصلی تعریف طبقه اجتماعی را طرز نگرش و رفتار افراد می‌دانند. ساندروز و کورن هاوزر معتقدند در درجه اول «طبقه اجتماعی» گروهی از افراد است که نگرش‌ها و بینش‌های همسانی دارند. به عقیده آنها، موقعیت عینی اقتصادی افراد تنها شاخص‌هایی را جهت مطالعه و سنجش عینی طبقه اجتماعی فراهم می‌کند و اصل اساسی تعریف طبقه نیست، بلکه آنچه در تعریف طبقه اساسی است ذهنیت و نگرش یکسانی است که افراد متعلق به یک طبقه از آن برخوردارند. (قاسمی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵) در نتیجه نگرش افراد به کارکرد ثبات مهریه بالا می‌تواند تحت تأثیر طبقه‌ای باشد که فرد از آن برخاسته است. بر این اساس انتظار می‌رود طبقات پایین و متوسط جامعه نگرش مثبت‌تری به کارکرد مهریه بالا در حفظ تداوم خانواده داشته باشند.

شکی نیست که یکی از عوامل مؤثر بر رفتار و نگرش انسانها در جوامع گوناگون دینداری است. ارزش‌های مذهبی و میزان قوت آن در یک جامعه همواره عاملی تعیین‌کننده و تأثیرگذار در تغییر ارزش‌ها و نرم‌های خانواده است و تحقیقات مختلف نیز بر ارتباط درونی متقابل و نزدیک میان ارزش‌های مذهبی و ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با خانواده تأکید کرده‌اند (لستهاق و سورکین، ۱۹۸۸؛ ون دکا، ۲۰۰۱؛ لستهاق

1. Martin and Juarez
2. Saunders
3. Kornhauser

و ویلسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶) با توجه به اینکه مهریه یکی از سنت‌های مذهبی و دینی است که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته و آموزه‌های دینی بر سبک بودن مهریه ارزشگذاری کرده‌اند، انتظار می‌رود افرادی که دیندارترند، دیدگاه منفی تری نسبت به کارکرد مهریه بالا به عنوان وثیقه‌ای در برابر حق طلاق و تضمین کننده بقا خانواده داشته باشند.

از جمله عوامل دیگری که می‌تواند نقش احتمالاً تأثیرگذاری بر نگرش‌های مرتبط با کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده ایفا نماید، تفاوت‌های سنی و بین‌نسلی است. مدل کوهورتی تغییر اجتماعی (رایدر<sup>۲</sup>، ۱۹۶۵)، بر این موضوع اشاره دارد که نسل‌های جوان‌تر با پذیرش عقاید و ارزش‌های جدید، نقش تعیین کننده ای را در شکل دادن به تغییرات اجتماعی برعهده می‌گیرند و حال آن که نسل‌های قدیمی‌تر با پایبندی بیشتر به عقاید و ارزش‌های سنتی جامعه، در برابر تغییرات سریع، مقاومت نشان می‌دهند (نک: عسکری‌ندوشن، عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۸)

به رغم آنکه در جامعه ایران، در اغلب موارد والدین و بزرگترها نقشی برجسته و به مراتب تعیین‌کننده‌تر از خود جوانان در تعیین کم و کیف مهریه دارند، اما در سطح فردی انتظار ما بر این است که با توجه به تأکید ارزش‌های سنتی و مذهبی جامعه ایران بر مهریه پایین‌تر، احتمالاً افراد مسن‌تر به علت پایبندی بیشتر به سنت‌ها، مهریه پایین‌تری را مطلوب بدانند و در مقابل جوانان برای مهریه بالا کارکرد مؤثرتری در ثبات خانواده قائل باشند.

رسانه‌های گروهی نیز از جمله عواملی هستند که همواره نقش بارز و برجسته آنها در شکل دادن به نگرش‌ها نشان داده شده است. وسایل ارتباط جمعی، مجموع فنون، ابزار و وسایلی هستند که از توانایی انتقال پیام‌های ارتباطی حسی و اندیشه‌ای در یک زمان به شمار بسیاری از افراد و مخصوصاً در فواصل زیاد برخوردارند (بیرو<sup>۳</sup>، ۱۳۶۶: ۲۱۹). تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که در طول یک قرن گذشته رسانه‌ها، نقش مهمی را در تغییر ایدئولوژی نقش‌های جنسیتی، نگرش‌های مرتبط با ازدواج، تمایلات و رفتارهای باروری، و روابط خانواده بازی کرده‌اند (وستوف و رودریجز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ هورنیک و مک آنانی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ گیمایر و دیگران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶) رسانه‌های جمعی با ایجاد بسترهای فرهنگی، افکار عمومی جامعه را مطابق با الگوهای خود شکل می‌دهند و دگرگونی‌های عمده ای در نگرش آنان ایجاد می‌کنند (حاتمی و مذهبی ۱۳۹۰: ۱۸۶). رسانه‌های گروهی، قادرند از طریق اشاعه پیامهای جذابی در مورد کالاهای مصرفی و ایجاد

1. Lestaeghe & Wilson
2. Ryder
3. Alen Birow
4. Westoff and Rodriguez
5. Hornik and McAnany
6. Ghimire et al.

پنداره‌های مطلوبی در مورد سبک زندگی در قالب خانواده‌های هسته‌ای و کوچکی که شاخصه اصلی خانواده مدرن امروزی غرب بشمار می‌رود، بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهای خانواده را متأثر سازند. رسانه‌ها توانایی این را دارند که جانشین جنبه‌های نمادین و آیینی اجتماعات محلی شوند و این کار را با ارائه موضوعات برای گفتگو و شخصیت‌هایی برای همذات‌پنداری انجام دهند. (مک کوایل، ۱۳۸۲: ۱۳۶) با توجه به این که در کشور ما رسانه‌ها عمدتاً مروج ارزشهای ایرانی-اسلامی هستند، توقع می‌رود که پیام‌های ارائه شده توسط این رسانه‌ها، هم‌جهت با این ارزش‌ها، نگرش نسبت به کارکرد ثبات مهریه را تحت تأثیر قرار دهند. اما از سویی این امکان وجود دارد که رادیو و تلویزیون و مطبوعات کشور برنامه‌های مشخص و هدفمندی در راستای ترویج ارزش مهریه پایین ارائه ندهند و یا لزوماً نتوانند تأثیر مورد انتظار خود را بر مخاطبان‌شان بر جای بگذارند. از سوی دیگر وجود رسانه‌های خارجی مانند ماهواره یا اینترنت و ارائه تصاویر و پیام‌هایی که این رسانه‌ها در زمینه اشاعه مصرف‌گرایی و جلوه‌های زندگی مدرن ارائه می‌کنند قادرند نگرش نسبت به کارکردهای مهریه را دگرگون کرده و انتظارات تازه‌ای را در سطح جامعه به ویژه میان زنان که معمولاً مخاطبین عمده رسانه‌ها می‌باشند، ایجاد نمایند. در نهایت انتظار می‌رود کسانی که مهریه بالاتری را مطلوب می‌شمارند، احتمالاً نسبت به کارکرد ثبات مهریه باید دیدگاه موافق‌تری داشته باشند و مهریه بالاتر را بعنوان پشتوانه‌ای برای حفظ زندگی زناشویی تلقی نمایند.

### فرضیات تحقیق

دو فرضیه اصلی تحقیق را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- بین مردان و زنان در نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده تفاوت وجود دارد.
- عوامل مؤثر بر نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده در بین مردان و زنان متفاوتند. بر مبنای دو فرضیه اصلی فوق، هشت فرضیه فرعی‌تر زیر مشتق شده‌اند:
  - نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد تفاوت می‌پذیرد.
  - نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب وضعیت تأهل تفاوت دارد.
  - نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب محل تولد (شهر و روستا) تفاوت دارد.
  - نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب مهریه مطلوب پاسخگویان تفاوت دارد.

- نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب سطح تحصیلات تفاوت دارد.
- نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب سطح دینداری تفاوت دارد.
- نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب میزان استفاده از رسانه‌ها تفاوت دارد.
- نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده در بین گروه‌های سنی تفاوت دارد.

### روش تحقیق

میدان اصلی مطالعه حاضر، شهر یزد است. این شهر در طول چند دهه گذشته سهم عمده‌ای از جمعیت مهاجرین شهری و روستایی داخل و خارج از استان را پذیرفته و براساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ با جمعیتی حدود ۴۲۳ هزار نفر، حدود نیمی از کل جمعیت استان را در خود جای داده است. بارزترین ویژگی فرهنگی یزد که به ویژه برای اهداف مطالعه حاضر دارای اهمیت است، ترکیب منحصر به فرد از عناصر مدرن و سنتی است از یکسو، یزد در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، در زمره مناطق توسعه‌یافته و صنعتی کشور محسوب می‌شود و بر مبنای داده‌های سرشماری ۱۳۸۵، در شاخص‌های متعارف اقتصادی-اجتماعی نظیر تحصیلات، شهرنشینی و صنعت، با قرار گرفتن در رتبه‌هایی بین اول تا چهارم جایگاهی بالاتر از متوسط کشوری را به خود اختصاص داده است. یافته‌های دیگر مطالعاتی که به تحلیل تفاوت‌های استانی پرداخته‌اند، نیز مؤید آن است که یزد از نظر سطح توسعه انسانی در سال ۱۳۸۵ رتبه سوم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است (افشانی، عسکری‌ندوشن و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، شهر یزد از دیرباز به دارالعباده شهرت داشته و یکی از شهرهای مذهبی ایران به شمار می‌رود. داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی در ایران (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۱) نشان می‌دهد که مردم شهر یزد در مقایسه با دیگر کل کشور و مراکز استان‌هایی نظیر اصفهان و تهران تأکید بیشتری بر ارزش‌های دینی و مذهبی داشته‌اند. به علاوه، این شهر در بسیاری از روابط، رفتارها و نگرش‌های مرتبط با خانواده یک شهر سنتی است. به طوری که نگرش‌های اجتماعی در جهت تأکید بر ازدواج مخصوصاً برای دختران و حمایت از سن پایین‌تر ازدواج است (عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۳؛ حسینی چاووشی و دیگران، ۲۰۰۶). بر مبنای نتایج سرشماری ۱۳۸۵ میانگین سنی اولین ازدواج در یزد مخصوصاً برای زنان (با ۲۲ سال) پایین‌تر از متوسط کشوری (۲۳/۲ سال) است و یزد دومین استان دارای پایین‌ترین میانگین سن ازدواج زنان در بین استان‌های کشور محسوب می‌شود. علاوه بر این نگرش‌های مردم یزد در جهت حمایت از ازدواج‌های خویشاوندی و درصد ازدواج‌های خویشاوندی (با حدود ۴۶ درصد) در آن بالاتر از متوسط کشوری (۳۸ درصد) است. گذشته از این یزد یکی از پایین‌ترین نرخ‌های

طلاق را در بین استان‌های ایران دارد (سعادت و دیگران، ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۳؛ ترمانین، ۲۰۰۶) برآیند و ترکیب این ویژگی‌ها یزد را به یک بستر اجتماعی بکر و مناسب جهت مطالعه تغییرات اجتماعی به ویژه تحولات رفتاری و نگرشی مرتبط با خانواده قرار داده است.

جمع‌آوری داده‌های تحقیق حاضر براساس اجرای یک پیمایش در بهار ۱۳۹۰ و با استفاده از پرسشنامه همراه با مصاحبه صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان و مردان ساکن در شهر یزد در سنین ۱۷ سال به بالا بود. چارچوب نمونه‌گیری تحقیق بر مبنای روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طراحی و تعیین گردید. پس از تعیین خوشه‌های نمونه‌گیری و بلوک‌های آماری، انتخاب نمونه‌ها به طور تصادفی صورت گرفت و اطلاعات مورد نیاز از آنها جمع‌آوری شد. حجم نمونه تحقیق پس از برآورد اولیه واریانس جامعه بر مبنای نتایج پیش‌آزمونی صورت گرفت که در بین ۳۰ نفر از شهروندان شهر یزد به اجرا درآمد. برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای نمونه‌گیری ۰/۰۱ و سطح اطمینان ۹۵ درصد صورت پذیرفت. از آنجا که یکی از اهداف ثانوی مطالعه، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌ها و رفتارها بود، حجم نمونه بطور جداگانه برای مردان و زنان برآورد گردید. با توجه به واریانس بدست آمده از پیش‌آزمون تعداد نمونه محاسبه شده برای مردان و زنان به ترتیب معادل ۲۱۶ و ۳۸۳ نفر محاسبه برآورد گردید.

### سنجه‌ها و متغیرهای تحقیق

به منظور سنجش نگرش پاسخگویان نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات و استحکام خانواده از ۸ گویه ۴ درجه ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) در طیف لیکرت استفاده شد. این گویه‌ها بر روی هم، ابعاد مختلف نگرش پاسخگویان را نسبت به کارکرد مهریه در تضمین دوام ازدواج و حفظ بقای خانواده نشان می‌دهند. شاخص نگرش به کارکرد ثبات مهریه از حاصل جمع این گویه‌ها ساخته شد. گویه‌های مورد استفاده برای این منظور در جدول ۱ منعکس است. در این جدول همچنین توزیع درصدی نظرات پاسخگویان، به همراه میانگین رتبه نظرات آنان نسبت به هر گویه و شیوه کدگذاری مورد استفاده برای هر گویه (در داخل پرانتز) نشان داده است.

1. Tremayne

2. Pretest

## نگرش نسبت به مهریه در حفظ ثبات خانواده: یافته‌های پیمایشی...

جدول شماره ۱. توزیع پاسخگویان برحسب نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات و پایداری خانواده- شهر یزد، بهار ۱۳۹۰

میانگین رتبه	کل	کاملاً مخالف	مخالف	موافق	کاملاً موافق	گویه‌ها
۲/۵۸	۱۰۰	۸/۷	۳۵/۳	۴۵/۳	۱۰/۸	۱. مهریه بالاتر باعث می‌شود اگر اختلافی در زندگی پیش آید، شوهر فوراً نتواند زنش را طلاق دهد. (کاملاً موافق = ۴، کاملاً مخالف = ۱)
۲/۲۳	۱۰۰	۱۷/۵	۴۸/۲	۲۷/۹	۶/۴	۲. بعضی‌ها می‌گویند خیلی طلاق‌ها به این خاطر اتفاق می‌افتد که مهر زن کم بوده و مرد با پرداخت آن توانسته به راحتی از همسرش جدا شود. (کاملاً موافق = ۴، کاملاً مخالف = ۱)
۱/۹۹	۱۰۰	۲۶/۶	۵۰/۸	۱۹/۹	۲/۶	۳. مهریه بالاتر می‌تواند باعث استحکام بیشتر خانواده شود. (کاملاً موافق = ۴، کاملاً مخالف = ۱)
۱/۸۷	۱۰۰	۰/۸	۱۵/۴	۵۴/۱	۲۹/۷	۴. بعضی‌ها می‌گویند بهتر است خانواده دختر ابتدا، شناخت کافی از خواستگار پیدا کند و به جای آن مهریه را سبک‌تر بگیرد. (کاملاً موافق = ۱، کاملاً مخالف = ۴)
۲/۲۸	۱۰۰	۱۹/۴	۴۱/۸	۲۹/۶	۹/۲	۵. بعضی‌ها می‌گویند مهریه بالاتر می‌تواند از ازدواج مجدد مردان جلوگیری کند. (کاملاً موافق = ۴، کاملاً مخالف = ۱)
۲/۲۷	۱۰۰	۱۴/۱	۵۱/۳	۲۸/۴	۶/۲	۶. بعضی‌ها می‌گویند این روزها نمی‌شود به کسی اعتماد کرد و از همان اول بهتر است مهریه را بالاتر گرفت. (کاملاً موافق = ۴، کاملاً مخالف = ۱)
۲/۵۲	۱۰۰	۹/۳	۳۳/۹	۳۶/۲	۱۰/۵	۷. مهریه بالا موجب تحریک زن برای گرفتن آن و ایجاد اختلاف در خانواده می‌شود. (کاملاً موافق = ۱، کاملاً مخالف = ۴)
۱/۸۵	۱۰۰	۳/۱	۱۲/۳	۵۱/۶	۳۳/۰	۸. بعضی‌ها می‌گویند اگر واقعاً قرار باشد طلاق اتفاق بیفتد، مهریه بالا فایده‌ای ندارد. (کاملاً موافق = ۱، کاملاً مخالف = ۴)

با توجه به شیوه مورد استفاده در کدگذاری گویه‌ها، کسب امتیاز بالاتر به معنای نگرش مثبت‌تر پاسخگو نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده و برعکس امتیاز پایین‌تر نگرش منفی‌تر را نشان می‌دهد. دامنه محتمل برای مجموع امتیازات پاسخگویان در پاسخ به این گویه‌ها بین ۸ تا ۳۲ و دامنه نمرات واقعی برای کل پاسخگویان بین ۸ تا ۲۷ با میانگین ۱۷/۶ و انحراف معیار ۳/۲۸ قرار دارد.

به منظور سنجش استفاده از رسانه‌ها در یک مجموعه از سئوالات از پاسخگویان پرسیده شد که روزانه چقدر از هر یک از رسانه‌هایی نظیر تلویزیون، رادیو، اینترنت، ماهواره و روزنامه و مجلات استفاده می‌کنید؟ پاسخ‌ها در یک طیف ۶ قسمتی از اصلاً تا خیلی زیاد ارزش‌گذاری و سپس شاخص استفاده از رسانه از حاصل جمع پنج گویه مذکور به دست آمد.

به منظور سنجش دینداری با اقتباس از تحقیقات قبلی انجام گرفته در ایران (سراج‌زاده، طالبان، انوری، حشمت‌یغمایی، افشانی) جمعاً ۱۵ گویه در قالب یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف طراحی شد. با توجه به ابعاد مختلفی که تحقیقات قبلی برای دینداری قائل شدند، سنجش هر یک از ابعاد اعتقادی، پیامدی، عاطفی، دانشی و مناسکی با استفاده از سه گویه صورت گرفت.

همچنین شاخص طبقه اجتماعی با توجه به نوع شغل (پاسخگو و همسر)، سطح تحصیلات (پاسخگو و همسر)، میزان درآمد ماهیانه (پاسخگو و همسر)، منزل مسکونی و اتومبیل مورد سنجش قرار گرفت و

بر مبنای آن شاخص مورد نظر در سه گروه طبقه اجتماعی پایین، متوسط و بالا ساخته شد. به منظور تحلیل داده‌ها، علاوه بر استفاده از آزمون‌های دو متغیره، روابط موجود میان متغیرهای مستقل و وابسته در چارچوب یک تحلیل چندمتغیره و با استفاده از تکنیک تحلیل طبقات<sup>۱</sup> چندگانه نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل طبقات چندگانه، یکی از تکنیک‌های رایج (نک: عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن ۱۳۸۴؛ عسکری‌ندوشن ۱۳۸۸؛ عباسی‌شوازی و صادقی ۱۳۸۴) و نوعی از رگرسیون متغیرهای تصنعی برای ارزیابی ارتباط میان متغیرهای مستقل و وابسته است که با وجود مشابهت‌های زیاد آن با رگرسیون چندگانه به پیش فرض‌های دشوار رگرسیون چندگانه احتیاجی ندارد. با اینحال فاصله‌ای بودن سطح اندازه‌گیری متغیر تابع، پیش فرض لازم برای استفاده از این تکنیک آماری است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن ۱۳۸۴، نی و دیگران، ۱۹۷۵). به علاوه، این تکنیک، محدودیتی در رابطه با سطح سنجش متغیرهای مستقل ندارد اما استفاده از آن زمانی که متغیرهای مستقل بصورت طبقه‌ای باشد، عملاً قادر است تا اطلاعات بیشتری را در زمینه تحلیل متغیرها ارائه کند.

## یافته‌های پژوهش

### الف- توزیع ویژگی‌های نمونه تحقیق

جدول ۱، برخی ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد بررسی را به تفکیک برای مردان و زنان نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جدول از کل پاسخگویان حدود ۴۵ درصد در سنین ۲۹-۱۵ سال، ۳۶ درصد در سنین ۳۰-۴۴ سال و حدود ۱۹ درصد بالای ۴۵ سال سن دارند. ملاحظه توزیع درصدی متغیر تحصیلات نشان می‌دهد که حدود ۴۲ درصد از کل پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند، ۳۵ درصد دارای تحصیلات متوسطه و ۲۳ درصد باقیمانده در مقاطع تحصیلی راهنمایی و کمتر قرار می‌گیرند. نسبت مردان دارای تحصیلات دانشگاهی بیش از زنان و برعکس سهم زنان نمونه در مقطع دبیرستان بیش از مردان در نمونه تحقیق بوده است.

1. Multiple Classification Analysis (MCA)

2. Nie et al

## نگرش نسبت به مهریه در حفظ ثبات خانواده: یافته‌های پیمایشی...

جدول شماره ۲. توصیف ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه

متغیر	ایماد	کل		مرد		زن	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
گروه سنی	متولدین ۷۴-۱۳۶ (ستین ۲۹-۱۵)	۲۷۸	۴۵/۴	۱۰۷	۴۹/۵	۱۷۱	۴۳/۲
	متولدین ۵۹-۱۳۴۵ (ستین ۲۴-۳۰)	۲۱۸	۳۵/۶	۷۰	۳۲/۴	۱۴۸	۳۷/۴
	متولدین قبل از ۱۳۴۴ (ستین + ۲۵)	۱۱۵	۱۸/۸	۳۹	۱۸/۱	۷۶	۱۹/۲
وضع سواد	ابتدایی و کمتر	۸۰	۱۳/۱	۸	۷/۳	۷۲	۱۸/۳
	راهنمایی	۶۱	۱۰/۱	۲۱	۹/۷	۴۰	۱۰/۲
	دبیرستان	۲۱۶	۳۵/۳	۷۱	۳۲/۸	۱۴۵	۳۶/۹
طبقه اجتماعی	دانشگاهی	۲۵۲	۴۱/۵	۱۱۶	۴۹/۷	۱۳۶	۳۴/۶
	پایین	۱۱۵	۱۸/۸	۳۴	۱۵/۷	۸۱	۲۰/۵
	متوسط	۳۶۷	۵۰/۰	۱۲۸	۵۹/۳	۲۳۹	۶۰/۲
استفاده از رسانه	بالا	۴۶	۷/۵	۲۶	۱۲/۰	۲۰	۵/۱
	کم	۲۰۱	۳۲/۸	۵۶	۲۵/۹	۱۴۵	۳۶/۶
	متوسط	۳۳۷	۵۵/۱	۱۲۲	۵۶/۵	۲۱۵	۵۴/۳
دینداری	زیاد	۲۹	۸/۰	۲۹	۱۳/۴	۰	۰/۰
	کم	۲۶	۴/۲	۱۶	۷/۴	۱۰	۲/۵
	متوسط	۲۷۴	۴۴/۸	۹۰	۴۱/۷	۱۸۴	۴۶/۵
مهریه مطلوب	کمتر از ۱۰۰ سکه	۱۶۸	۲۷/۵	۷۹	۳۶/۶	۸۹	۲۲/۵
	۱۰۱-۲۰۰ سکه	۱۸۹	۳۰/۹	۶۷	۳۱/۰	۱۲۲	۳۱/۸
	بیشتر از ۲۰۰ سکه	۲۴۲	۳۷/۹	۶۷	۳۱/۰	۱۷۵	۴۱/۷
محل تولد	شهر	۳۹۲	۶۲/۵	۱۳۳	۶۱/۶	۲۶۲	۶۶/۲
	روستا	۲۰۵	۳۳/۵	۷۹	۳۶/۶	۱۲۶	۳۱/۸

توزیع متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها و نیز طبقه اجتماعی نشان می‌دهد که برای هر دو جنس و در هر دو متغیر یاد شده بیش از نیمی از پاسخگویان (بین ۶۰-۵۵ درصد) در طبقه متوسط قرار می‌گیرند. از نظر سطح دینداری نیز، نزدیک به ۹۰ درصد از پاسخگویان در طبقات متوسط و بالا قرار می‌گیرند که بافت مذهبی شهر یزد را منعکس می‌کند. توزیع متغیر دینداری بر حسب جنس نیز نشان می‌دهد زنان از مردان دیندارترند.

اطلاعات جدول ۲ همچنین نشان می‌دهد که از نظر نگرش به مقدار مهریه مطلوب، حدود ۲۸ درصد از پاسخگویان، مهریه مطلوب را کمتر از ۱۰۰ سکه، حدود ۳۱ درصد بین ۱۰۰-۲۰۰ سکه و نزدیک به ۳۸ درصد بیش از ۲۰۰ سکه می‌دانند. همچنین ۴۲ درصد از زنان در مقایسه با ۳۱ درصد از مردان نگرش موافقی به بیش از ۲۰۰ سکه دارند. اغلب پاسخگویان یعنی ۶۵ درصد متولد شهر بوده‌اند.

### ب- یافته‌های تحلیل دو متغیره

مطابق سنت‌های رایج، مردان پرداخت‌کننده مهر و زنان دریافت‌کننده آن به شمار می‌روند. مهریه تعیین شده برای مرد یک تعهد مالی الزام‌آور ایجاد می‌کند که نسبت به پرداخت آن مدیون است. در حالی که زن می‌تواند مطالبه مهریه‌اش را جز حقوق اجتماعی و قانونی خود بداند و در صورت اقتضا از این حق خود استفاده نماید. از آنجایی که مهریه پشتوانه حقوقی و اقتصادی زن در صورت طلاق یا فوت همسر به شمار می‌رود، آثار و تبعات مهریه تعیین شده نیز بر زنان و مردان متفاوت است. در عرف عمومی جامعه، یکی از کارکردهای مورد انتظار مهریه به جنبه بازدارندگی آن برای مردان

در استفاده از حق طلاق و یا ازدواج مجدد مردان به شمار می‌رود و در نقطه مقابل، مهریه برای زن، یک پشتوانه حقوقی و اقتصادی به شمار می‌رود که می‌تواند در صورت لزوم این حق خود را مطالبه نماید. از اینرو، انتظار می‌رود نگرش‌های متفاوتی بین زنان و مردان نسبت به نقش مهریه در حفظ ثبات خانواده وجود داشته باشد.

اطلاعات جدول ۳، تفاوت‌های نگرشی مردان و زنان را نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده، مورد مقایسه قرار داده است. براساس داده‌ها، میانگین شاخص نگرش به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برای مردان ۱۷/۲۵ و برای زنان ۱۷/۸۱ برآورد شده است. با وجود آنکه دامنه تفاوت مشاهده شده گسترده نیست، اما این تفاوت از نظر آماری معنادار و بیانگر آن است که زنان در مقایسه با مردان، نقش مهم‌تری برای مهریه در تضمین بقا و ثبات ازدواج قائل‌اند.

جدول شماره ۳. توزیع نگرش پاسخگویان نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد	میانگین کل	مقدار آزمون
مرد	۲۱۶	۳۵/۳	۱۷/۲۵	$t = -۲/۳۶$
زن	۳۹۴	۶۴/۷	۱۷/۸۱	$Sig = ۰/۰۳۸$

در عین حال که برخی از عوامل تعیین‌کننده این تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌ها، ممکن است تأثیر نسبتاً مشابه و یکسانی بر نگرش‌های زنان و مردان داشته باشد، احتمالاً تأثیر تعدادی از عوامل دیگر در میان زنان و مردان متفاوت است. به منظور ارزیابی دقیق‌تر این تفاوت‌های نگرشی، منطقی‌تر به نظر می‌رسد که سهم نسبی عوامل مؤثر بر نگرش‌ها به‌طور جداگانه برای مردان و زنان مورد تحلیل قرار گیرد. جدول ۴، روابط میان متغیرهای مستقل و نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده را به صورت دو متغیره به تفکیک برای مردان و زنان و همچنین برای کل نمونه تحقیق مورد آزمون قرار می‌دهد. در یک نگاه کلی، از میان متغیرهای مستقل موجود در جدول تفاوت‌های آماری معناداری را می‌توان در نگرش‌های مردان، زنان و کل نمونه تحقیق نسبت به نقش مهریه در ثبات خانواده برحسب متغیرهای طبقه اجتماعی، محل تولد، نگرش به مقدار مهریه مطلوب، دینداری و کاربرد رسانه‌ها مشاهده نمود. برعکس، تفاوت‌های سنی و تحصیلی معناداری در نگرش‌ها چه در کل نمونه و چه در زیرنمونه مردان و زنان قابل مشاهده نیست. هرچند نگرش‌های مردان برحسب دو متغیر وضع زناشویی و وضعیت اشتغال تفاوت معناداری ندارد ولی نگرش‌های زنان برحسب این دو متغیر تفاوت می‌پذیرد. ملاحظه جداگانه متغیرهای موجود در جدول ۴ گویای آن است که میانگین شاخص نگرش به

نگرش نسبت به مهریه در حفظ ثبات خانواده: یافته‌های پیمایشی...

کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب طبقه اجتماعی بگونه‌ای تفاوت می‌پذیرد که منعکس کننده ارتباط معکوس طبقه اجتماعی با نگرش‌هاست. به بیان دقیق‌تر، افراد برخاسته از طبقات اجتماعی پایین و سپس طبقات متوسط نگرش موافق‌تری نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده دارند. آزمون تعقیبی توکی (در اینجا گزارش نشده است) نیز حاکی از آن است که برای هر دو زیرنمونه مردان و زنان، نگرش‌های طبقات پایین و متوسط به یکدیگر نزدیک و از نظر آماری غیرمعنار ولی نگرش‌های طبقه اجتماعی بالا تفاوت معناداری با هر دو طبقه پایین و متوسط دارد. به همین منوال متغیر دینداری نیز ارتباط معکوسی را با شاخص نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده نشان می‌دهد. بگونه‌ای که میانگین این شاخص با افزایش سطح دینداری کاهش می‌یابد.

در نقطه مقابل، ملاحظه تفاوت‌های نگرشی برحسب متغیرهای مهریه مطلوب و همچنین کاربرد رسانه‌ها، نشان‌دهنده رابطه مستقیم آنها با شاخص نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده در نزد هر دو جنس است. این یافته‌ها دلالت بر آن دارد که یکی از دلایل اصلی برای افرادی که مهریه بالاتری را مطلوب می‌دانند، باور آنان به نقش و کارکرد مهریه در تضمین ثبات خانواده است. همچنین، استفاده بیشتر از رسانه‌ها نیز با نگرش موافق‌تر مرتبط است.

جدول شماره ۴. تفاوت در میانگین شاخص نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب متغیرهای مختلف - شهر یزد، بهار ۱۳۹۰

متغیرها	کل نمونه		مردان		زنان	
	میانگین	مقدار آزمون	میانگین	مقدار آزمون	میانگین	مقدار آزمون
طبقه اجتماعی	پایین	۱۷/۹۶	۱۸/۰۰	۱۷/۹۲	۱۷/۸۱	F=۴/۸۱۱ sig=۰/۰۰۹
	متوسط	۱۷/۶۵	۱۷/۲۳	۱۷/۷۸	۱۷/۸۵	
	بالا	۱۵/۳۳	۱۵/۰۰	۱۵/۷۵	۱۵/۰۰	
وضع تعامل	بیشتر از حد معمول	۱۷/۲۷	۱۷/۳۲	۱۷/۵۲	۱۷/۳۸	T=-۳/۳۸۸ sig=۰/۰۰۱
	معمول	۱۸/۱۰	۱۷/۱۲	۱۹/۱۹	۱۷/۲۸	
	کمتر از حد معمول	۱۶/۹۱	۱۶/۳۳	۱۸/۰۵	۱۷/۲۸	
نگرش به مهریه مطلوب	بسیار زیاد	۱۶/۲۶	۱۵/۸۹	۱۶/۹۷	۱۵/۸۹	F=۱۲/۶۰ sig=۰/۰۰۰
	زیاد	۱۷/۳۷	۱۷/۵۱	۱۷/۳۰	۱۷/۵۱	
	بسیار کم	۱۸/۶۷	۱۸/۶۶	۱۸/۶۸	۱۸/۶۶	
وضع سرود	بسیار زیاد	۱۷/۷۷	۱۵/۷۵	۱۸/۰۰	۱۵/۷۵	F=۰/۱۹۰ sig=۰/۹۰۳
	زیاد	۱۷/۶۷	۱۷/۸۱	۱۷/۶۰	۱۷/۸۱	
	بسیار کم	۱۷/۶۹	۱۷/۸۵	۱۷/۷۴	۱۷/۸۵	
دینداری	کم	۲۰/۳۱	۲۰/۱۳	۲۰/۶۰	۲۰/۱۳	F=۱۰/۵۸ sig=۰/۰۰۰
	متوسط	۱۷/۹۷	۱۷/۵۸	۱۸/۱۷	۱۷/۵۸	
	زیاد	۱۷/۰۴	۱۶/۵۸	۱۷/۲۵	۱۶/۵۸	
استفاده از رسانه	بسیار زیاد	۱۷/۳۵	۱۶/۵۹	۱۷/۶۲	۱۶/۵۹	F=۵/۰۴۰ sig=۰/۰۰۷
	متوسط	۱۷/۵۵	۱۷/۲۶	۱۷/۷۱	۱۷/۲۶	
	کم	۱۹/۱۰	۱۸/۶۶	۱۹/۷۵	۱۸/۶۶	
گروه سنی	مردان ۲۰-۲۹ (۱۵-۱۹)	۱۷/۵۳	۱۷/۱۶	۱۷/۷۶	۱۷/۱۶	F=۰/۴۹۲ sig=۰/۶۱۲
	مردان ۳۰-۳۹ (۲۰-۲۹)	۱۷/۵۲	۱۷/۲۰	۱۷/۷۱	۱۷/۲۰	
	مردان ۴۰-۴۹ (۳۰-۳۹)	۱۷/۹۳	۱۷/۵۶	۱۸/۱۲	۱۷/۵۶	

ملاحظه متغیرهای محل تولد و وضع زناشویی در جدول ۴ مؤید آن است که متولدین شهری، در مقایسه با متولدین روستا نظر موافق‌تری نسبت به کارکرد مهریه در استحکام پیوند ازدواج دارند. این تفاوت‌های نگرشی هم در مورد مردان و هم در مورد زنان کاملاً معنادار است. همچنین، میانگین متغیر تابع برحسب وضعیت زناشویی تنها در بین زیرنمونه زنان تفاوت معناداری دارد به گونه‌ای که زنان هرگز ازدواج‌نکرده نگرش موافق‌تری نسبت به کارکرد ثبات مهریه در مقایسه با زنان حداقل یکبار ازدواج‌کرده دارند.

در عین حال که نتایج بدست آمده از آزمون‌های دو متغیره، در اکثر موارد بر انتظارات تئوریک ما در اینجا منطبق بود، بررسی روابط مشاهده در یک چارچوب چندمتغیره و پس از کنترل تأثیرات تداخلی و همزمان سایر متغیرها می‌تواند به درک بهتر روابط میان آنها کمک نماید. به همین منظور در بخش بعدی مقاله، متغیرهای معنادار در آزمون‌های دو متغیره، به تحلیل چندمتغیری وارد شده و سهم نسبی هر یک از آنها در تبیین تفاوت‌های مشاهده شده در متغیر وابسته تحقیق یعنی نگرش نسبت کارکرد مهریه در ثبات خانواده مورد ارزیابی قرار گرفته است.

### ج- یافته‌های تحلیل چندمتغیره

به منظور ارزیابی تأثیر متغیرهای مستقل بر نگرش پاسخگویان نسبت کارکرد مهریه در تضمین ثبات خانواده، در اینجا از تکنیک تحلیل طبقات چندگانه استفاده شد. در جدول ۵، ضرایب برآورد شده از این مدل چندمتغیره، به تفکیک برای کل نمونه و همچنین زیرنمونه‌های مردان و زنان گزارش شده است. متغیرهای مستقل وارد شده به تحلیل، متغیرهایی هستند که قبلاً در آزمون دو متغیره ارتباط معناداری را با متغیر تابع (در کل نمونه یا در هر یک از زیرنمونه‌های زنان و مردان) نشان داده بودند.

در جدول ۵، ستون ضرایب تعدیل‌نشده (Eta) برآوردی از شدت تأثیر هر متغیر، بدون کنترل تأثیر سایر متغیرهای مستقل و یا به بیانی ساده‌تر شاخصی از ارتباط دو متغیره را نشان می‌دهد. ستون ضرایب تعدیل‌شده (Beta) نیز شاخصی از شدت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل، پس از کنترل سهم نسبی سایر متغیرهای مستقل موجود در معادله محسوب می‌شود.

مقایسه ستون ضرایب تعدیل‌نشده (اتا) در جدول نشان می‌دهد که متغیرهای نگرش به مقدار مهریه مطلوب و میزان دینداری، به ترتیب با ضرایب ۰/۲۵۳ و ۰/۲۲۶ در بین کل پاسخگویان، قوی‌ترین تأثیر معنادار را بر نگرش‌ها نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده دارند. تأثیر این متغیرها، در زیر نمونه‌های زنان (به ترتیب با ضرایب ۰/۲۳۳ و ۰/۲۱۷) و مردان (به ترتیب با ضرایب ۰/۲۸۱ و ۰/۲۶۲) نیز از همین الگو پیروی می‌کند و از نظر شدت تأثیر در صدر متغیرهای موجود در معادله قرار می‌گیرند. جالب آنکه این متغیرها حتی پس از کنترل چندمتغیره، همچنان بیشترین ضریب تأثیر را بر نگرش‌ها باقی

نگرش نسبت به مهریه در حفظ ثبات خانواده: یافته‌های پیمایشی...

می‌گذارند. این یافته‌ها به‌طور ضمنی اشاره بر این دارد که از بین تمامی متغیرهای مستقل تحت بررسی در این مطالعه، نگرش به مقدار مهریه مطلوب و میزان دینداری تعیین‌کننده‌ترین سهم را در نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده دارند.

جدول شماره ۵: ضرایب برآورد شده (تعدیل شده و تعدیل نشده) از تحلیل طبقات چندگانه نگرش به نقش مهریه در ثبات خانواده - شهر یزد، بهار

۱۳۹۰

کل نمونه	مردان		زنان	
	ضرایب تعدیل نشده (Beta)	ضرایب تعدیل شده (Eta)	ضرایب تعدیل نشده (Beta)	ضرایب تعدیل شده (Eta)
کاربرد رسانه‌ها	۰/۱۷۴**	۰/۱۷۴**	۰/۱۷۴**	۰/۱۷۴**
میزان دینداری	۰/۲۶۶***	۰/۲۶۶***	۰/۲۶۶***	۰/۲۶۶***
طبقه اجتماعی	۰/۱۶۶***	۰/۱۶۶***	۰/۱۶۶***	۰/۱۶۶***
نگرش به مقدار مطلوب مهریه	۰/۲۱۱***	۰/۲۱۱***	۰/۲۱۱***	۰/۲۱۱***
محل تولد	۰/۰۷۲	۰/۲۳۴**	۰/۱۸۱*	۰/۱۲۴*
وضع تأهل	۰/۰۳۸	۰/۰۳۷	۰/۰۰۲	۰/۱۸۸**
آماره F کلی مدل	۸/۰۸۵***		۴/۲۸۹***	
R <sup>2</sup>	۰/۱۵۶		۰/۱۳۸	

پس از دو متغیر یاد شده، سهم سایر متغیرهای مستقل موجود در مدل در بین کل پاسخگویان و زیرنمونه‌های آن متفاوت است. بگونه‌ای که در بین کل پاسخگویان، به ترتیب اهمیت متغیر کاربرد رسانه‌ها، طبقه اجتماعی و محل تولد با ضرایب تأثیر ۰/۱۷۶، ۰/۱۶۴ و ۰/۱۲۰ در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در حالیکه در بین مردان بزرگترین ضریب تأثیر دو متغیره پس از متغیرهای مقدار مطلوب مهریه و دینداری به ترتیب متعلق به محل تولد، طبقه اجتماعی و کاربرد رسانه‌هاست ولی در بین زنان به ترتیب کاربرد رسانه‌ها، وضع تأهل و طبقه اجتماعی قرار می‌گیرند.

مقایسه ضرایب برآورد شده در جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد که در مورد تمامی متغیرها ستون ضرایب تعدیل شده (بتا) در مقایسه با ضرایب تعدیل نشده (اتا) کاهش می‌یابد و حتی در بعضی موارد غیرمعنادار می‌شود. کاهش ضرایب تأثیر متغیرها اشاره بر این دارد که پس از کنترل چندمتغیره، بخشی از تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل از طریق سایر متغیرهای مستقل موجود در معادله تبیین می‌شود. در مدل برآورد شده برای کل پاسخگویان، تأثیر متغیر محل تولد بطور اساسی کاهش می‌یابد و

غیرمعنادار می‌شود. یافته‌های قبلی ما در جدول ۴ گویای آن بود که متولدین شهر در مقایسه با متولدین روستا نگرش موافق‌تری نسبت به کارکرد مهریه در استحکام خانواده داشته‌اند. غیرمعنادار شدن تأثیر محل تولد پس از کنترل چندمتغیری بیانگر آن است که بخش عمده‌ای از تفاوت‌های نگرشی برحسب محل تولد، به تفاوت‌های احتمالی موجود بین متولدین شهر و روستا برحسب دیگر متغیرهای مستقل تحقیق نظیر تفاوت در کاربرد رسانه‌ها، سطح دینداری و نظایر آن مربوط می‌شود.

همچنین مقایسه ضرایب تعدیل شده و تعدیل نشده در مدل برآورد شده برای مردان و زنان نیز بیانگر کاهش چشمگیر ضرایب پس از کنترل چندمتغیره است. بگونه‌ای که در مدل برآورد شده برای مردان تأثیر متغیر کاربرد رسانه‌ها و در مدل زنان تأثیر متغیرهای طبقه اجتماعی و محل تولد غیرمعنادار می‌شود. به جز این، در مورد بیشتر متغیرها، مقدار کاهش ضرایب پس از تعدیل برای زنان بیش از مردان است و نشان می‌دهد الگوی نگرش‌های مردان نسبتاً همگون‌تر و در مقابل واریانس تفاوت‌های نگرشی در بین زنان بیشتر است. این نکته براساس ضرایب تعیین مدل نیز تأیید می‌شود. به گونه‌ای که مقایسه ضرایب تعیین مدل نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مستقل روی هم رفته ۱۵/۶ درصد از تغییرات نگرشی نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده را در کل نمونه تبیین می‌کنند. این در حالی است که نسبت واریانس تبیین شده برای مردان ۲۲/۷ درصد و برای زنان ۱۳/۸ درصد بوده است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، مطالعه نگرش‌های عمومی مردم نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده و بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با این نگرش‌ها بود. برای این منظور، با استفاده از داده‌های حاصل از اجرای یک پیمایش مقطعی در شهر یزد، نگرش‌های زنان و مردان به صورت مقایسه‌ای مطالعه و تفاوت‌های اجتماعی مرتبط با این نگرش‌ها مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق نشان داد که علیرغم آنکه اختلاف دیدگاه‌ها و نظرات زنان و مردان نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده چشمگیر نیست، اما از نظر آماری معنادار است. بگونه‌ای که زنان بیش از مردان نگرشی موافق با این کارکرد مهریه دارند. به منظور تعیین اثر نسبی متغیرهای مستقل بر تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌ها، تحلیل‌های جداگانه‌ای بر روی نگرش‌های مردان و زنان انجام شد. یافته‌های تجربی بدست آمده در اکثر موارد همسو با انتظارات تئوریک مقاله و حاکی از ارتباط معنادار متغیرهای طبقه اجتماعی، کاربرد رسانه‌ها، دینداری، نگرش به میزان مهریه مطلوب، وضع تأهل و محل تولد با شاخص نگرش نسبت به کارکرد مهریه در تثبیت ازدواج بود. از بین متغیرهای یاد شده، به استثناء متغیر وضع زناشویی که تنها در بین زیرنمونه زنان از نظر آماری معنادار است، ارتباط سایر متغیرها با متغیر تابع هم برای مردان و هم برای زنان معنادار بود.

با وجود این، برخلاف انتظار تئوریک ما، تفاوت‌های معناداری در نگرش نسبت به کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده برحسب سطوح تحصیلی و گروه‌های سنی (چه در زیرنمونه‌های مردان و زنان و چه در کل نمونه) مشاهده نشد. مطالعات گوناگون بر ارتباط تفاوت‌های سنی و تحصیلی با حوزه‌های وسیعی از نگرش‌ها و ایده‌های مرتبط با ازدواج و خانواده، نظیر ایده‌آل‌های مربوط به سن مناسب ازدواج و طولانی شدن دوران مجرد، نگرش به تعاملات دختر و پسر قبل از ازدواج، ترجیحات در مورد همسرگزینی از میان خویشاوندان، نگرش نسبت به طلاق و نظایر آن تأکید کرده‌اند. با اینحال یافته‌های مطالعه حاضر گویای آن بود که در بین سطوح مختلف تحصیلی و گروه‌های مختلف سنی، عقاید و باورها نسبت به تأثیر مهریه در استحکام بخشیدن به پیوند ازدواج نسبتاً همگون است. این یافته را باید در ارتباط با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بستر اجتماعی تحت مطالعه تفسیر نمود که دارای بافت اجتماعی مذهبی و به ویژه، در ارتباط با اخلاقیات خانواده محیطی سنت‌گراست. به ویژه آن که یافته‌های مطالعه حاضر نیز نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذار متغیر دینداری را بر نگرش به کارکرد مهریه در تضمین ثبات خانواده تأیید نمود. با این وجود مطالعات دیگر ضروری است تا این یافته را در بسترهای اجتماعی دیگر خصوصاً در شهرهای بزرگی مانند تهران و اصفهان مورد آزمون و ارزیابی مجدد قرار دهند.

تحلیل‌ها همچنین نشان داد که از میان مجموعه متغیرهای مستقل تحت مطالعه، به ترتیب اهمیت متغیرهای نگرش نسبت به مقدار مهریه مطلوب و سطح دینداری بیشترین تأثیر را بر اعتقاد به کارکرد مهریه در تثبیت خانواده داشتند. بر مبنای یافته‌ها، جهت تأثیر متغیر مهریه مطلوب مستقیم بود به این معنا که کسانی که مهریه بالاتری را مطلوب می‌دانستند، مهریه را پشتوانه مهمی برای تضمین بقا خانواده و ازدواج می‌پنداشتند. در مقابل، همسو با انتظارات تئوریک ما در اینجا، نتایج حاکی از تأثیر معکوس و معنادار سطح دینداری بر نگرش به کارکرد مهریه در حفظ استحکام بنیان خانواده بود. به گونه‌ای که افراد متدین‌تر، وجهه‌نظری مخالف‌تری در این خصوص داشتند که مهریه بتواند به عنوان عامل تحکیم پیوند ازدواج ایفای نقش نماید. و برعکس با کاهش سطح دینداری افراد، باور به این نقش مهریه پررنگ‌تر می‌نمود. با توجه به اینکه تحقیقات انجام شده ابعاد مختلفی را برای دینداری قائل شده‌اند، چگونگی ارتباط ابعاد مختلف دینداری با نگرش‌های مرتبط با نقش مهریه در ثبات خانواده و اینکه کدامیک از ابعاد دینداری ارتباط بیشتری با این نگرش‌ها دارند موضوعی است که در تحقیقات بعدی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در مجموع، مطالعه حاضر را باید یک تحقیق مقدماتی در نظر گرفت که با تمرکز بر کارکرد مهریه در حفظ ثبات خانواده تلاش نمود تا برخی از عوامل مرتبط با تفاوت‌های نگرشی موجود در این زمینه را شناسایی کند. با این وجود، مطالعه سایر کارکردهای اجتماعی مورد انتظار مهریه در عرف عمومی جامعه نظیر تأثیر مهریه بر ارتقا مقام و موقعیت زن، نقش آن بعنوان یک پشتوانه مالی برای زن، کارکرد آن در ایجاد آرامش روانی برای زن، و برداشت‌های اجتماعی نسبت به ارزش نمادین مهریه از جمله موضوعاتی

است که تحقیقات بیشتری را طلب می‌کند. علاوه بر این، مطالعات دیگری ضروری است تا با بررسی تجربی تأثیر میزان واقعی مهر بر احتمال وقوع طلاق، میزان انطباق انتظارات رایج در فرهنگ عمومی جامعه نسبت به جنبه بازدارندگی مهریه در پیشگیری از طلاق را براساس واقعیات اجتماعی موجود در جامعه مورد ارزیابی علمی و دقیق قرار دهند.

## منابع

- احمدی‌موحد، محمد (۱۳۸۷)، "شاخص‌های ازدواج و طلاق و بررسی تغییرات آن در کشور با تأکید بر آمارهای استانی طی سالهای ۸۶-۱۳۸۱"، جمعیت، شماره ۶۳ و ۶۴، صص ۲۶-۱.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده در ایران با تأکید بر نقش ساختار و کارکردها. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- افشانی، سیدعلیرضا، عباس عسکری‌ندوشن و صدیقه ابراهیم‌پور، (۱۳۹۰). "رتبه‌بندی استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ با روش تاکسونومی عددی". فصل‌نامه روستا و توسعه، شماره ۵۵، صص ۱-۱۸.
- امام، سید محمدرضا و سید محمد رضوی (۱۳۸۸) "مهریه، عندالمطالبه یا عندالاستطاعه"، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۶۸-۵۳.
- امامی‌نمینی، محمود (۱۳۸۶)، "ماهیت مهر و نقد مهریه‌های سنگین"، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۸۶، صص ۴۴-۳۱.
- امیر خسروی، ارژنگ (۱۳۸۰)، "مرور مقدماتی آمارهای طلاق دهساله اخیر کشور"، جمعیت، شماره ۳۵ و ۳۶، صص ۷۰-۲۷.
- باباخانی، زرین (۱۳۷۷)، مهریه (حقوق خاصه زوجه)، تهران: انتشارات رامین.
- بیروب، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، (ترجمه باقر ساروخانی)، تهران: نشر کیهان.
- پارسا، فروغ (۱۳۸۱)، "مباحثی در حقوق زوجه (حق مهریه - حق نفقه) بنا بر فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت"، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۱، سال دوازدهم، صص ۸۷-۶۲.
- تقی‌زاده، علی و احمد موسوی (۱۳۸۹)، "ضمانت مهریه"، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، صص ۶۵-۸۶.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جلالی، سید مهدی (۱۳۸۹)، نقد و بررسی مهریه در لایحه حمایت از خانواده، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۲۵-۱.
- حاتمی، محمدرضا و سارویه مذهبی (۱۳۹۰)، "رسانه و نگرش زنان به هویت جنسی خود"، فصلنامه

- تحقیقات فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره ۲، صص ۱۸۵-۲۰۹.
- حسینی، سیدمحمد باقر (۱۳۸۸) "بررسی وضعیت ابراء مهریه و طلاق پیش از نزدیکی" ماهنامه دادرسی، شماره ۷۶، سال سیزدهم، صص ۳۷-۳۹.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۸) تاریخ تمدن، (ترجمه احمد آرام، ع. پاشائی و امیرحسین آریانپور)، تهران: اقبال
- رحم دل عزت الله (۱۳۷۹) "آمارهای ازدواج و طلاق ثبت شده در کشور در سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸"، جمعیت، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۲۲-۷۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸) جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۵)، "زنان و تحصیلات دانشگاهی"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۵۶-۵۷، صص ۱۰۲-۱۲۷.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۰). "زنان ایران: مطالبات و انتظارات." نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۶۲-۳۱.
- شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۰). تبیین جامعه‌شناختی مهریه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صفایی، سیدحسین و سیداسدالله امامی (۱۳۷۸)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- عباسی شوازی محمدجلال و عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۸۷) "آرمانگرایی در توسعه و نگرش‌های مرتبط با خانواده در ایران"، نامه علوم اجتماعی شماره ۳۴، صص ۷۲-۴۹.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴) "قومیت و الگوهای ازدواج در ایران." زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، صص ۲۵-۴۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۸۴). "تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد." نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۷۵-۲۵.
- عسکری‌ندوشن، عباس (۱۳۸۸) آرمانگرایی در توسعه و تغییر خانواده در ایران: مطالعه موردی در شهر یزد، پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی
- عسکری‌ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸). "مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد." فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. شماره ۴۴، صص ۷-۳۶.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۷۵)، "بررسی اجمالی مهریه (روایی، فقهی، حقوقی)"، ندای صادق، شماره ۴، صص ۳۱-۲۴.
- غزنویان، زهرا (۱۳۸۸). "«پاگیره» با مهریه: گذری بر سنت مهریه و شیربها در اقوام ایرانی." سپیده دانایی،

- سال سوم، شماره ۲۴، ص ۸۴
- قاسمی، وحید و زهرا ذاکری (۱۳۸۹)، "تحلیل تطبیقی نگرش سیاسی زنان و مردان در شهر اصفهان"، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۲، صص ۷-۳۰.
- قاسمی، وحید، فریدون وحید، رسول ربانی و زهرا ذاکری (۱۳۸۹). "شناخت تاثیر طبقه اجتماعی بر نگرش نسبت به جریان نوگرایی در شهر اصفهان"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره ۳۷، صص ۴۳-۶۸.
- قلی زاده، آذر و سحر غفاریان (۱۳۹۰) "آسیب‌شناسی مهریه و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موثر بر آن"، فصلنامه زن و جامعه، سال دوم، شماره اول صص ۱۵۱-۱۳۴
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲)، درآمدی بر نظریه‌های ارتباط جمعی، (ترجمه پرویز اجلالی)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وحدتی‌شیرینی، سیدحسین (۱۳۸۷). "وضعیت حقوقی مهریه‌های سنگین در نکاح دائم"، مطالعات اسلامی: فقه و حقوق، سال چهارم، شماره پیاپی ۸۱/۱، صص ۲۰۴-۱۸۹.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور. تهران: دفتر انتشارات پیمایش طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.

- Abbasi-Shavazi M. J. and P. McDonald and M. Hosseini-Chavoshi (2003). "Changes in Family, Fertility Behavior, and Attitudes in Iran." *Working Paper in Demography*, No. 88, Canberra: Australian National University.
- Abbasi-Shavazi M. J. and P. McDonald and M. Hosseini-Chavoshi (2008). "The Family and Social Change in Post-Revolutionary Iran." In K. M. Yount and H. Rashad (eds). *Family in the Middle East: Ideational Change in Egypt, Iran, and Tunisia*. New York: Routledge. Pp. 217-235.
- Abbasi-Shavazi, M. J., A. Askari-Nodoushan and A. Thornton (2010). "Family Life and Developmental Idealism in Iran", Paper presented at the Symposium on *The Globalization of Modernization Theory: Clashes of Modernities and Moralities*, 8-10 June 2010, University of Michigan.
- Askari-Nodoushan, A., S. A. Afshani, and A. Ahmadi (2010). "The Changing Role of Mehrieh in the Iranian Marriage Market," Paper presented at the First Population Association Conference, 16-20 November 2010, New Dehli, India.

- Barber, J. S. (2001a). "Ideational Influences on the Transition to Parenthood: Attitudes towards Childbearing and Competing Alternatives." *Social Psychology Quarterly* 64: 101-127.
- Barber, J. (2001b), "The Intergenerational Transmission of Age at First Birth among Married and Unmarried Men and Women," *Social Science Research*, 30: 219-247.
- Caldwell, J. (1982). *Theory of Fertility Decline*. London: Academic Press.
- Cleland, J., and C.R. Wilson (1987). "Demand Theories of the Fertility Transition: An Iconoclastic View." *Population Studies* 41(1): 5-30.
- Eagly, Alice, and H. A. Diekmann (2006) "Examining Gender in Sociopolitical attitudes: It's not Mars and Venus." *Feminism and Psychology*, 16: 23-34.
- Ghimire, D. J, W. G Axinn, S. T. Yabiku, and A. Thornton (2006). "Social Change, Premarital Nonfamily Experience, and Spouse Choice in an Arranged Marriage Society." *The American Journal of Sociology* 111( 4): 1181-1218.
- Habibi, Nader (1997), An Economic Analysis of the Prenuptial Agreement ("Mahrieh") in Contemporary Iran, Economic Development and Cultural Change, Vol. 45, No. 2. Pp. 281-293.
- Hojat, J., Shapurian, R., Foroughi, D., Nayerahmadi, H., Farzaneh, M., Shafieyan, M., and Parsi, M. (2000). "Gender Differences in Traditional Attitudes Toward Marriage and the Family: An Empirical Study of Iranian Immigrants in the United States." *Journal of Family Issues*, 21(4): 419-434.
- Hornik, R. and E. McAnany (2001). "Mass Media and Fertility Change." In J. Casterline (ed.) *Diffusion Process and Fertility Transition*. Washington D.C.: National Academy Press. pp. 208-239.
- Hosseini-Chavoshi, M., P. McDonald, and M. J. Abbasi-Shavazi (2006). "The Iranian Fertility Decline, 1981-1999: An Application of the Synthetic Parity Progression Ratio Method." *Population (English Edition)*, 61(5/6): 701-718.
- Kornhauser, Ruth Rosner, (1978). *Social Sources of Delinquency*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lesthaeghe, R J. and L. Neidert (2006). "The Second Demographic Transition in the

- United States: Exception or Textbook Example?" *Population and Development Review* 32(4): 669–698.
- Lesthaeghe, R. and C. Wilson (1986). "Modes of Production, Secularization, and the Pace of the Fertility Decline in Western Europe, 1870-1930." In A.J. Coal and S.C. Watkins (ed.s). *The Decline of Fertility in Europe*. Princeton: Princeton University Press.
- Lesthaeghe, R. (1995). "The Second Demographic Transition in Western Countries: An Interpretation." In K. O. Mason and A-M. Jensen (ed.s). *Gender and Family Change in Industrial Countries*. Oxford: Clarendon Press. pp.17-61.
- Lesthaeghe, R. and J. Surkyn. (2006). "When history moves on: Foundations and diffusion of a second demographic transition," in R. Jayakody, A. Thornton, and W. Axinn (eds.), *International Family Change: Ideational Perspectives*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum and Associates.
- Lesthaeghe, R. and J. Surkyne, (1988), "Cultural Dynamics and Economic Theories of Fertility Change", *Population and Development Review*, 14(1): 1-45
- Malhotra, A. (1997). "Gender and the Timing of Marriage: Rural Urban Differences in Java." *Journal of Marriage and the Family* 59(2): 434-450.
- Martin, T.C and F. Juarez (1995). The impact of women's education on fertility in Latin America: searching for explanations, *International Family Planning Perspectives*, 21(2): 52-80
- Nie, N. H., et al. (1975). *Statistical Package for the Social Sciences*. (Second Edition). New York: McGraw-Hill Book Company.
- Norris, P. (1998) *The Gender Gap: Old Challenges, New Approaches*. USA: Kennedy School of Government, Harvard University.
- Parrado, E. A. and Zenteno, R. M. (2002) "Gender Differences in Union Formation in Mexico: Evidence From Marital Search Models." *Journal of Marriage and the Family* 64(3): 756–774.
- Ryder, N.B. (1965), "The Cohort as a Concept in the Study of Social Change", *American Sociological Review* 30(6): 843- 861.
- Saadat, M., M. Ansari-Lari and D. D. Farhud (2004). "Consanguineous Marriage in

- Iran." *Annals of Human Biology*. 31(2): 263-269.
- Saunders, P. (1990) *Social Class and Stratification*, London: Routledge.
- Thornton, A. (2001). "Developmental Paradigm Reading History Sideways and Family Change," *Demography*, 38(4):449-465.
- Thornton, A. (2005). *Reading History Sideways: the Fallacy and Enduring Impact of the Developmental Paradigm on Family Life*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Thornton, A. (1989), "Changing Attitudes toward Family Issues in the United States", *Journal of Marriage and the Family*, 51 : 873- 893
- Tremayne, S. (2006). "Modernity and Early Marriage in Iran: A View from Within." *Journal of Middle East Women's Studies* 2(1): 65-94.
- van de kaa, D.J. (2001), "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior", *Population and development Review*, 27(supp): 290-331.
- Westoff, C.F. and G. Rodriguez (1995). "The Mass Media and Family Planning in Kenya." *International Family Planning Perspectives* 21(1): 26-31, 36.